

رسالهٔ پولس رسول به غلاتیان

مقدمه

غلاتیه منطقه ای است واقع در آسیای صغیر که اکنون ترکیه امروزی می باشد. پولس این رساله را به مسیحیان این منطقه که در آن زمان یک ولایت امپراطوری روم بود، نوشته است. مسیحیان غلاتیه فکر می کردند که انسان با اجرای قوانین و تشریفات مذهبی، می تواند از جزای گناه نجات پیدا کند و رستگار شود. پولس آنها را به این اشتباه شان متوجه می سازد و نشان می دهد که نجات از گناه با کوشش انسانی نمی تواند حاصل شود. بلکه نجات تحفه ای است که از طرف خدا بطور رایگان در صلیب مسیح به بشر اعطا شده است.

فهرست مندرجات:

- مقدمه: فصل ۱: ۱ - ۱۰
اختیارات پولس به عنوان یک رسول: فصل ۱: ۱۱ - ۲: ۲۱
انجیل فیض خدا: فصل ۳ - ۴
آزادی و مسئولیت مسیحی: فصل ۵: ۱ - ۶: ۱۰
خاتمه: فصل ۶: ۱۱ - ۱۸

که با من هستند به کلیساهای غلاتیه سلام می رسانند.^۳ از طرف خدا، پدر ما، و عیسی مسیح خداوند ما فیض و سلامتی بر شما باد.^۴ همان عیسی که جان خود را برای گناهان ما داد تا مطابق ارادهٔ پدر ما خدا، ما را از این زمانهٔ شریر برهاند.^۵ خدا را تا به ابد جلال باد. آمین.

مقدمه

از طرف پولس رسول که رسالت خود را نه از جانب انسان و نه به وسیلهٔ کسی به دست آورد، بلکه از طرف عیسی مسیح و خدای پدر که مسیح را پس از مرگ زنده گردانید، رسول شده است.^۲ تمام برادرانی

پیشی می گرفتم و خیلی بیشتر از آن ها در اجرای تعلیمات نیاکان خود متعصب بودم.^{۱۵} اما وقتی خدا که مرا پیش از تولد برگزیده و به وسیله فیض خود مرا دعوت کرده بود، صلاح دانست^{۱۶} که پسر خود را در من ظاهر سازد تا بشارت او را به مردم غیر یهود برسانم، به عوض اینکه با کسی مشورت کنم^{۱۷} یا به اورشلیم نزد آنانی که قبل از من رسول بودند بروم، فوراً به عربستان رفتم و بعد به دمشق باز گشتم.^{۱۸} بعد از سه سال به اورشلیم برگشتم تا با پترس آشنا شوم و مدت پانزده روز نزد او ماندم.^{۱۹} هیچ رسول دیگری را جز یعقوب، برادر خداوند ندیدم.^{۲۰} آنچه به شما می نویسم عین حقیقت است و خدا شاهد است که دروغ نمی گویم.^{۲۱} بعداً به نواحی سوریه و قلیقیه رفتم^{۲۲} و کلیساهای مسیح در یهودیه مرا شخصاً نمی شناختند^{۲۳} فقط می شنیدند که: «آن کسی که به ما آزار می رسانید اکنون همان ایمانی را بشارت می دهد که زمانی می کوشید آن را از بین ببرد.»^{۲۴} و خدا را به خاطر من سپاس می گفتند.

پولس و رسولان دیگر مسیح

۲ باز چهارده سال بعد با برنابا به اورشلیم برگشتم و تیطس را نیز با خود بردم.^۲ من رفتم، زیرا خدا به وسیله الهام به من نشان داد که رفتن من ضروری است و آن مژده ای را که اکنون در میان ملل غیر یهود اعلام می کنم برای ایشان مطرح کردم. البته اول آن را محرمانه با اشخاص برجسته کلیسا در

یگانگی انجیل

۶ من از این تعجب می کنم که شما به این زودی از آن کسی که شما را به فیض مسیح دعوت کرده است روی گردان شده اید و اکنون از انجیل دیگری پیروی می کنید!^۷ در صورتی که انجیل دیگری وجود ندارد، اما عده ای هستند که می خواهند شما را پریشان سازند و انجیل مسیح را تحریف نمایند.^۸ حتی اگر ما یا فرشته ای از آسمان، انجیلی غیر از آنچه ما اعلام کردیم بیاورد، بر او لعنت باد!^۹ چنانکه قبلاً گفته بودم باز هم تکرار می کنم: «هر کسی که انجیلی غیر از آنچه پذیرفتید بیاورد، بر او لعنت باد.»

۱۰ آیا این سخن می رساند که من رضایت آدمیان را می خواهم؟ نخیر! من فقط رضایت خدا را می خواهم و آیا قصدم خوشنود ساختن مردم است؟ اگر تا کنون قصدم این می بود، خادم مسیح نمی بودم!

پولس چگونه رسول مسیح شد؟

۱۱ ای برادران، می خواهم بدانید انجیلی که من به شما دادم، ساخته و پرداخته دست انسان نیست.^{۱۲} من آن را از کسی نگرفتم و کسی هم آن را به من نیاموخت بلکه عیسی مسیح به وسیله الهام آن را به من آشکار ساخت.

۱۳ سرگذشت و اعمال سابق مرا در دین یهود شنیده اید که چگونه با بی رحمی به کلیسای خدا آزار می رسانیدم و در نابود ساختن آن می کوشیدم.^{۱۴} و در رعایت دیانت یهود از تمام یهودیان هم سن خود

سرزنش کردن پتروس

۱۱ اما وقتی پتروس به انطاکیه آمد، روبرو با او مخالفت کردم، زیرا کاملاً مقصر بود. ۱۲ از آن رو که پیش از رسیدن عده ای از طرف یعقوب، او با غیر یهودیان غذا می خورد، اما با رسیدن آن ها خود را کنار کشید و دیگر نمی خواست با غیر یهودیان غذا بخورد مبادا اهل سنت را برنجاند ۱۳ و دیگر مسیحیان یهودی نژاد از ریاکاری او پیروی کردند، به طوری که حتی برنابا نیز تحت تأثیر دورویی آن ها قرار گرفت. ۱۴ اما وقتی دیدم رفتار آنها با حقیقت انجیل یکی نیست، در حضور همه به پتروس خطاب کرده گفتم: «اگر تو با اینکه یهودی هستی، مانند غیر یهودیان زندگی می کنی و نه مانند یهودیان، چطور می توانی غیر یهودیان را مجبور سازی که مثل یهودیان زندگی کنند؟»

۱۵ ما که یهودی مادرزاد هستیم و نه غیر یهودی گناهکار، ۱۶ خوب می دانیم که هیچ کس با اجرای احکام شریعت در حضور خدا عادل شمرده نمی شود بلکه فقط بر اثر ایمان به عیسی مسیح عادل شمرده می شود. ما خود نیز به مسیح عیسی ایمان آوردیم تا به وسیله ایمان و نه با اجرای شریعت عادل شمرده شویم. نه فقط ما بلکه هیچ بشری از راه انجام احکام شریعت نمی تواند عادل شمرده شود.

نجات یهودیان و غیر یهودیان

۱۷ پس اگر در بین تلاش خود برای رسیدن به عدالت که در مسیح یافت

میان گذاشتم مبادا آنچه انجام داده بودم و یا انجام می دهم بیهوده باشد. ۳ و با وجود اینکه تیطس، همسفر من، یونانی بود، او را مجبور نکردند که سنت گردد، ۴ اگر چه عده ای که وانمود می کردند برادران دینی ما هستند، می خواستند او را سنت کنند. اینها مخفیانه به میان ما راه یافتند تا مانند جاسوس ها اطلاعاتی درباره آزادی ما در مسیح عیسی یابند و ما را دوباره به بندگی شریعت درآورند. ۵ اما ما یک لحظه هم تسلیم اراده آنها نشدیم تا پیوسته حقیقت انجیل برای شما محفوظ بماند.

۶ و آنانی که ظاهراً اشخاص برجسته ای بودند، چیزی به پیام ما اضافه نکردند. (نام و نشان آن ها برای من اهمیتی ندارد. خدا تحت تأثیر مقام کسی قرار نمی گیرد!) ۷ بلکه آن ها به این حقیقت پی بردند که خدا مرا وظیفه اعلام انجیل به غیر یهودیان را داده است. همانطوری که وظیفه اعلام انجیل به یهودیان را به پتروس سپرده بود. ۸ همان خدائی که به من قدرت داد تا رسول غیر یهودیان باشم، به پتروس نیز قدرت بخشید تا رسول یهودیان باشد. ۹ وقتی یعقوب و پتروس و یوحنا که به ارکان کلیسا معروفند، آن فیضی را که خدا به من عطا فرموده بود تشخیص دادند، آن ها دست من و برنابا را به علامت موافقت فشردند و قبول کردند که ما در میان غیر یهودیان کارکنیم و آنها در میان یهودیان. ۱۰ تنها پیشنهادی که داشتند این بود که در فکر فقرا باشیم، یعنی همان کاری که من می خواستم انجام بدهم.

خدایی که روح القدس را به شما می بخشد و در میان شما معجزه ها می کند، این کارها را به خاطر اینکه احکام شریعت را بجا می آورید انجام می دهد؟ و یا به سبب آنکه انجیل را شنیده و به آن ایمان دارید؟^۶ برای ابراهیم درست همین طور شد. «او به خدا ایمان آورد و خدا آن ایمان را به عنوان عدالت به حسابش گذاشت»^۷ پس باید بدانید که ایمانداران، فرزندان حقیقی ابراهیم هستند.^۸ چون کلام خدا از پیش، زمانی را می دید که خدا غیریهودیان را از راه ایمان عادل می شمارد، قبلاً به ابراهیم بشارت داده گفت: «به وسیله تو تمام ملتها برکت خواهند یافت»^۹ بنابراین ایمانداران در برکات ابراهیم ایماندار، شریک و سهیم هستند.

^{۱۰} از طرف دیگر همه آنانی که به اطاعت از شریعت تکیه می کنند لعنت شدند، زیرا نوشته شده است: «هرکه همیشه تمام آنچه را که در شریعت نوشته شده است، بجا نیورد ملعون است.»^{۱۱} اکنون کاملاً روشن است که هیچ کس در حضور خدا به وسیله شریعت عادل شمرده نمی شود، زیرا «شخص عادل به وسیله ایمان زندگی می کند.»^{۱۲} اما شریعت بستگی به ایمان ندارد، زیرا «عمل کننده شریعت با اجرای شریعت زندگی خواهد کرد.»^{۱۳} وقتی مسیح به خاطر ما ملعون شد، ما را از لعنت شریعت آزاد کرد. زیرا نوشته شده است: «هرکه به دار آویخته شود، ملعون است.»^{۱۴} این همه واقع شد تا برکتی که خدا به ابراهیم وعده داده بود،

می شود، دریابیم که ما نیز مثل دیگران گناهکار هستیم، آیا باید مسیح را عامل گناه خود بدانیم؟ هرگز نه!^{۱۵} اما اگر آنچه را که خود خراب کرده ام بار دیگر بنا کنم، البته نشان می دهم که شخصی خطاکار هستم.^{۱۶} زیرا تا آنجا که به شریعت مربوط است، من مرده ام. زیرا به وسیله شریعت کشته شدم تا برای خدا زیست نمایم.^{۱۷} من با مسیح مصلوب شده ام به طوری که دیگر آنکه زندگی می کند من نیستم، بلکه مسیح است که در من زندگی می کند و در خصوص این زندگی جسمانی ای که من اکنون دارم، فقط به وسیله ایمان به پسر خدا که به من محبت داشت و جان خود را به خاطر من داد زندگی می کنم.^{۱۸} فیض خدا را باطل نمی کنم، زیرا اگر عدالت از راه شریعت حاصل می شد، مرگ مسیح بی فایده می بود.

شریعت یا ایمان؟

۳ ای غلاتیان نادان، مرگ عیسی مسیح با چنان روشنی بیان شد که گویی او در برابر چشمان شما مصلوب شده است. پس چه کسی شما را افسون کرده است؟^۱ من از شما فقط یک سؤال دارم: آیا شما روح القدس را از راه انجام شریعت به دست آوردید یا از گوش دادن به انجیل و ایمان آوردن به آن؟^۲ چگونه می توانید تا به این اندازه احمق باشید؟ شما که با قدرت روح القدس شروع کردید آیا اکنون می خواهید با قدرت جسمانی خود به کمال برسید؟^۳ آیا این همه تجربیات شما بی فایده بوده است؟ گمان نمی کنم.^۴ آیا

داده شده بود که قادر به بخشیدن زندگی بود، البته عدالت نیز به وسیله شریعت میسر می شد. ^{۲۲} اما کلام خدا همه را اسیر گناه دانسته است تا برکت وعده شده که از راه ایمان به عیسی مسیح به دست می آید به ایمانداران عطا شود.

^{۲۳} اما پیش از رسیدن دوره ایمان همه ما محبوس و تحت تسلط شریعت بودیم و در انتظار آن ایمانی که باید ظاهر می شد به سر می بردیم. ^{۲۴} به این ترتیب شریعت رهنمای ما بود که ما را به مسیح برساند تا به وسیله ایمان عادل شمرده شویم، ^{۲۵} اما چون اکنون دوره ایمان رسیده است دیگر تحت مراقبت رهنما نیستیم.

^{۲۶} زیرا ایمان باعث شد که همه شما در پیوستگی با مسیح عیسی فرزندان خدا باشید. ^{۲۷} شما که در پیوستگی با مسیح تعمید گرفتید، با مسیح پوشیده شده اید. ^{۲۸} پس دیگر هیچ تفاوتی میان یهودی و غیر یهودی، برده و آزاد، مرد و زن وجود ندارد، زیرا همه شما در پیوستگی با مسیح عیسی یک هستید ^{۲۹} و اگر متعلق به مسیح هستید، نسل ابراهیم و مطابق وعده خدا وارث او هستید.

۴ مقصود من اینست: تا زمانی که وارث صغیر است، اگرچه مالک همه دارایی پدر خود باشد، با یک غلام فرقی ندارد. ^۲ او تا روزی که پدرش معین کرده است تحت مراقبت سرپرستان و قیم ها به سر خواهد برد. ^۳ ما نیز همین طور در دوران کودکی، غلامان عقاید طفلانه دنیوی بودیم، ^۴ اما وقتی زمان معین فرا رسید، خدا پسر خود را که

به وسیله عیسی مسیح به غیر یهودیان برسد تا ما روح القدس وعده شده را از راه ایمان به دست آوریم.

شریعت و وعده های خدا

^{۱۵} ای برادران، می خواهم از یک مثل روزمره استفاده کنم: هیچکس نمی تواند به پیمانی که تأیید شده است، چیزی بیفزاید یا آن را باطل سازد. ^{۱۶} حال، وعده ها به ابراهیم و نسل او داده شد و نمی گوید: «نسلها» تا شامل بسیاری گردد، بلکه به یک فرزند یعنی به مسیح اشاره می کند. ^{۱۷} مقصود من این است: شریعتی که چهار صد و سی سال بعد برقرار گردید، نمی تواند پیمانی را که خدا با ابراهیم بست فسخ نماید به طوری که وعده خدا را باطل سازد، ^{۱۸} زیرا اگر میراث بسته به شریعت باشد، دیگر آن به وعده خدا بستگی ندارد، اما خدا بنا بر وعده خود آن را به ابراهیم عنایت فرمود. ^{۱۹} پس مقصود از شریعت چیست؟ شریعت چیزی بود که بعدها برای شناخت گناه اضافه شد و قرار بود فقط تا زمان ظهور فرزند ابراهیم که وعده به او داده شده بود دوام داشته باشد. همین شریعت به وسیله فرشتگان و با دست یک واسطه برقرار شد. ^{۲۰} هر جا واسطه ای باشد، وجود طرفین حتمی است. اما وعده تنها یک طرف دارد، یعنی خدا.

مقصود از شریعت

^{۲۱} بنابراین آیا شریعت با وعده های خدا مخالفت دارد؟ هرگز! زیرا اگر شریعتی

من پذیرایی کردید که گویی فرشته خدا یا حتی مسیح عیسی بودم.^{۱۵} پس آن رضامندی ای که نسبت به من داشتید چه شد؟ من می توانم بدون شک بگویم که اگر ممکن می بود چشمان خود را کشیده به من می دادید.^{۱۶} آیا حالا با اظهار حقیقت، دشمن شما شده ام؟

^{۱۷} بدانید، آن اشخاصی که توجه زیادی به شما نشان می دهند، نیت شان خیر نیست! آن ها تنها چیزی که می خواهند این است که شما را از من جدا سازند تا سرانجام شما نیز توجه زیادی به آن ها نشان دهید.^{۱۸} جلب توجه کردن در صورتی که برای یک هدف عالی و همیشگی باشد چیز خوبی است، نه فقط هنگامی که من با شما هستم.^{۱۹} ای فرزندان من، بار دیگر درست مانند مادری در وقت زایمان، برای شما احساس درد می کنم تا شکل مسیح در شما پیدا شود.^{۲۰} ای کاش اکنون پیش شما می بودم تا با لحن دیگری با شما سخن می گفتم. فعلاً در مورد شما بسیار حیران هستم!

سارا و هاجر

^{۲۱} بگوئید ببینم، شما که علاقه دارید تحت فرمان شریعت باشید، مگر آنچه را که تورات می گوید، نمی شنوید؟^{۲۲} زیرا در تورات نوشته شده است که ابراهیم دو پسر داشت، یکی از کنیز و دیگری از زن آزاد.^{۲۳} پسر کنیز به طور معمولی تولد یافت و پسر زن آزاد در نتیجه وعده خدا متولد شد.^{۲۴} این داستان را برای تشبیه می توان این طور بیان کرد. این دو زن -

از یک زن و در قید شریعت متولد شده بود، فرستاد^۵ تا با خونبها، آزادی کسانی را که در قید شریعت بودند فراهم سازد و تا ما مقام فرزندی را به دست آوریم.^۶ خدا برای اثبات این که شما فرزندان او هستید، روح پسر خود را به قلب های ما فرستاده است و این روح فریاد زده می گوید: «آبا، ای پدر.»^۷ پس تو دیگر برده نیستی، بلکه پسری و چون پسر هستی، خدا تو را وارث خود نیز ساخته است.

نگرانی پولس برای غلاتیان

^۸ در گذشته به علت اینکه خدای حقیقی را نشناخته بودید، خدایانی را که وجود حقیقی نداشتند، بندگی می کردید.^۹ اما اکنون که خدا را می شناسید - بهتر بگویم خدا شما را می شناسد - چگونه می توانید به عقاید طفلانه و پست برگردید؟ چرا می خواهید دوباره بردگان آن عقاید شوید؟^{۱۰} روزها، ماه ها، فصل ها و سال های مخصوصی را نگاه می دارید.^{۱۱} می ترسم تمام زحماتی را که تا کنون برای شما کشیده ام به هدر رفته باشد!

^{۱۲} ای برادران، از شما تقاضا می کنم مثل من بشوید، مگر من مثل شما نشده ام؟ من نمی گویم که شما به من بدی کرده اید.^{۱۳} شما می دانید به علت ناخوشی جسمانی من بود که برای اولین بار در آنجا به شما بشارت دادم^{۱۴} و اگر چه ناخوشی من آزمایش سختی برای شما بود، مرا خوار نشمردید و از من رویگردان نشدید. برعکس، طوری از

دیگر تأکید می‌کنم: اگر کسی سنت شود، مجبور است از تمام احکام شریعت اطاعت نماید!^۴ و شما که می‌کوشید به وسیلهٔ اجرای شریعت عادل شمرده شوید، بدانید که ارتباط خود را با مسیح قطع کرده و از فیض خدا دور افتاده‌اید.^۵ ما به وسیلهٔ روح القدس در انتظار انجام امید خود، یعنی عدالتی که از راه ایمان حاصل می‌شود به سر می‌بریم.^۶ برای کسی که در مسیح است، داشتن و یا نداشتن ختنه چیز مهمی نیست. آنچه اهمیت دارد ایمان است که با محبت عمل می‌کند.

^۷ شما خوب پیش می‌رفتید! چه کسی شما را گمراه ساخت تا حقیقت را پیروی نکنید؟^۸ این نوع تحریک از جانب آن کسی که شما را دعوت کرده است نمی‌تواند باشد!^۹ «فقط خمیرمایهٔ کمی لازم است تا خمیر زیادی برسد.»^{۱۰} من در خداوند اطمینان دارم که شما عقیدهٔ دیگری نخواهید داشت و آنکه مزاحم شماست هرکه باشد، به جزای اعمال خود خواهد رسید.

^{۱۱} و اما من، ای برادران، اگر - به قول بعضی‌ها - هنوز لزوم سنت را اعلام می‌کنم، پس چرا باز هم جفا می‌بینم؟ اگر چنین کاری را می‌کردم دیگر کسی از پیام صلیب ناراحت نمی‌شد!^{۱۲} ای کاش آنانی که شما را با تعلیم سنت پریشان می‌سازند سنت خود را کاملتر کرده خویشان را منقطع سازند.

^{۱۳} ای برادران، شما به آزادی خواسته شده‌اید، ولی نگذارید که این آزادی به بی‌بند و باری برای بر آوردن هوسهای

دو پیمان هستند - یکی از کوه سینا ظاهر می‌شود و فرزندان برای بردگی می‌آورد و اسمش هاجر است.^{۲۵} هاجر نمایندهٔ کوه سینا در عربستان و برابر با اورشلم کنونی است که خود و فرزندان در بندگی گرفتارند.^{۲۶} اما، اورشلم آسمانی آزاد و مادر همهٔ ماست،^{۲۷} زیرا نوشته شده است:

«شادباش ای زنی که هرگز

نزاییده‌ای و ای تو که هرگز درد

زایمان را نچشیده‌ای. فریاد کن و از

شادمانی به صدا درآی، زیرا فرزندان

زن بی‌کس از فرزندان زن شوهردار

بیشترند.»

^{۲۸} اکنون شما نیز ای برادران، بنابر وعدهٔ خدا، مانند اسحاق فرزندان خدا هستید.^{۲۹} در آن زمان، فرزندی که به طور معمولی زائیده شده بود، فرزندی را که به قدرت روح خدا تولد یافت آزار می‌داد و امروز نیز همین طور است.^{۳۰} اما چه نوشته شده است؟ می‌فرماید: «کنیز و پسرش را بیرون کن، زیرا پسر کنیز به هیچ وجه هم ارث با پسر زن آزاد نخواهد بود.»^{۳۱} بنابراین ای برادران، ما فرزندان کنیز نیستیم بلکه اولاد زن آزاد می‌باشیم.

آزادی خود را حفظ کنید

بلی ما آزادیم، زیرا مسیح ما را رهایی بخشید. پس در این آزادی استوار باشید و نگذارید که بار دیگر یوغ بندگی به گردن شما گذاشته شود.

^۲ ببینید که من، پوئس با تأکید به شما می‌گویم، اگر سنت شوید دیگر مسیح برای شما هیچ فایده‌ای ندارد!^۳ بار

جسمانی شما تبدیل گردد، بلکه با محبت یکدیگر را خدمت کنید.^{۱۴} زیرا تمامی شریعت در یک حکم خلاصه می شود: «همسایه ات را مانند خودت دوست مدار.»^{۱۵} اما اگر با چنگ و دندان به جان هم بیفتید، حتماً یکدیگر را نابود خواهید ساخت.

جسمانی شما تبدیل گردد، بلکه با محبت یکدیگر را خدمت کنید.^{۱۴} زیرا تمامی شریعت در یک حکم خلاصه می شود: «همسایه ات را مانند خودت دوست مدار.»^{۱۵} اما اگر با چنگ و دندان به جان هم بیفتید، حتماً یکدیگر را نابود خواهید ساخت.

حمل کردن بارهای یکدیگر

۶ ای برادران، اگر کسی در حین ارتکاب خطا دیده شود شما که روحانی هستید او را با اخلاص به راه راست آورید، اما خود را نگهدارید. مبادا شما نیز دستخوش وسوسه شوید.^۲ بارهای یکدیگر را حمل کنید و به این طریق حکم مسیح را بجا خواهید آورد.^۳ اگر کسی خود را شخص بزرگی بداند در حالی که چیزی نیست، خود را فریب می دهد.^۴ هرکس باید رفتار خود را بیازماید و اگر رفتارش پسندیده بود، می تواند به خود فخر کند و لزومی ندارد که خود را با دیگران مقایسه کند،^۵ زیرا هرکس باید متحمل بار خود باشد.

۶ هر که در کلام تعلیم یافته باشد، معلم را در تمام نعمات خویش شریک سازد.^۷ فریب نخورید، هیچ کس نمی تواند خدا را فریب دهد، زیرا آنچه آدمی بکارد، همان را درو خواهد کرد.^۸ مثلاً اگر کسی بذر در کشتزار نفس خویش بکارد، از آن خرمن مرگ را درو خواهد کرد و اگر در کشتزار روح خدا بکارد از روح زندگی ابدی را درو خواهد کرد.^۹ از انجام نیکوکاری خسته نشویم زیرا اگر دست از کار نکشیم در وقت مناسب

ثمرات روح و اعمال طبیعت نفسانی

۱۶ مقصود من این است: اگر تحت فرمان روح القدس به سر برید، به هیچ وجه خواهش های نفس را ارضا نخواهید کرد.^{۱۷} زیرا تمایلات نفسانی خلاف روح القدس و آرزوهای روح القدس بر خلاف طبیعت نفسانی است و این دو مخالف یکدیگرند. به طوری که شما نمی توانید آنچه را دل تان می خواهد انجام دهید.^{۱۸} اما اگر روح خدا شما را هدایت کند، شما در قید شریعت نیستید.^{۱۹} اعمال طبیعت نفسانی آشکارند: زنا، ناپاکی، هرزگی،^{۲۰} بُت پرستی، جادوگری، دشمنی، ستیزه جویی، رَشک، خشم، خودخواهی، اختلافات، دسته بندی، حسادت، مستی، عیاشی و امثال اینها.^{۲۱} اکنون مانند گذشته به شما می گویم: کسانی که این چنین اعمال را بجا آورند در پادشاهی خدا نصیبی نخواهند داشت.^{۲۲} اما ثمره ای که روح القدس به بار می آورد: محبت، خوشی، سلامتی، بردباری، مهربانی، خیرخواهی، وفاداری،^{۲۳} فروتنی و خویشتنداری است که هیچ قانونی که بر خلاف چنین کارها باشد، وجود ندارد^{۲۴} و آنانی که متعلق به

محصول خود را درو خواهیم کرد.^{۱۰} پس تا آنجا که فرصت داریم به همه نیکی کنیم، مخصوصاً به کسانی که در ایمان با ما اعضای یک خانواده هستند.

خاتمه

^{۱۱} ببینید من با دست خود با چه حروف درشتی برای شما می نویسم. ^{۱۲} مقصود آنانی که شما را به سنت مجبور می کنند، این است که تظاهر کنند. مخصوصاً آن ها نمی خواهند به خاطر صلیب مسیح جفا ببینند. ^{۱۳} حتی آنانی که سنت شده اند، شریعت را بجا نمی آورند! آن ها می خواهند که شما سنت شوید تا

به اطاعت شما در یک عمل جسمانی فخر کنند. ^{۱۴} و اما من، خدا نکند که به چیزی جز صلیب خداوند ما عیسی مسیح فخر کنم که به وسیله آن، دنیا برای من مصلوب شد و من برای دنیا. ^{۱۵} شدن یا نشدن سنت مهم نیست، بلکه فقط خلقت نو اهمیت دارد. ^{۱۶} به همه آنانی که در زندگی خود از این قاعده پیروی می کنند، یعنی به اسرائیل حقیقی خدا، سلامتی و رحمت باد.

^{۱۷} دیگر هیچ کس مزاحم من نشود، زیرا داغ هایی مسیح را بر بدن خود دارم. ^{۱۸} ای برادران، فیض خداوند ما عیسی مسیح با روح شما باد، آمین.

